

## رنگین کمان ”هشت کتاب“

### بررسی بسامد رنگها در شعر سهراب سپهری

دکتر محمد ناصر☆

دکتر محمد صابر☆☆

#### Abstract

Sohrab Sepehri was an extraordinary artist and literary figure of Iran in 20th century. He is rightly taken as one of the most famous modern style Persian poets who also shined in the western world through translations of his poems in many European languages. Sepehri's poetry offers different look and yet very simple, which distinguishes him from other modern Persian poets. He believes in faith, dignity and truthfulness. Being a prominent painter, he has used so many colors e.g. green, white, black, blue, Persian blue, red, pink, yellow and brown etc in his poetry, which has been analyzed and evaluated in the article. This article reveals some undiscovered dimensions of Sepehri's wonderful poetic skills.

سهراب سپهری (۱۹۲۸-۱۹۸۰م)، از مهمترین شاعران و نقاشان

معاصر ایران، در کاشان به دنیا آمد. پدرش اسد الله، و مادرش مه چبین،

---

☆ عضو گروه زبان و ادب فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

☆☆ عضو گروه زبان و ادب فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

هر دو اهل هنر و شعر بودند. سپهری تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود سپری کرد، سپس عازم تهران شد و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. او در ابتدا به سبک کلاسیک و سپس به شیوه نیمه‌ای شعر می‌سرود. اما با مرور زمان به سبک مخصوص خود دست یافت. به نظر منتقدان و سخن‌سنجان ادبی دفتر "حجم سبز" شیوه تکامل یافته سبک سپهری محسوب می‌شود. شعر سپهری بسیار صمیمی و سرشار از تصویرهای تازه است. او همواره همراه با زبانی نرم، لحنی لطیف و واژگان پالوده و پاکیزه و منسجم تصویر سازی می‌کند. کریم امامی (۱۹۳۰-۲۰۰۵م)، مترجم، ویراستار، نویسنده، روزنامه‌نگار و مهمتر از همه دوست نزدیکی، سپهری در زمان حیاتش برخی از شعرهای وی را به زبان انگلیسی برگرداند. بعدها مترجمان دیگری نیز شعرهای سپهری را به زبانهای انگلیسی، اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه کرده‌اند.

سهراب سپهری در هنر نقاشی از دستاوردهای زیبایی شناختی شرق و غرب بهره داشت، و این همه تاثیرها در آثار وی جلوه می‌نماید. او در نقاشی به شیوه‌ای موجز، نیمه انتزاعی دست یافت که برای مکاشفه های شاعرانه اش کارگشا بود.

سپهری در سال ۱۹۴۸م به بیماری سرطان خون مبتلا شد. در سال ۱۹۴۹م برای معالجه به انگلستان رفت، اما بیماری وی بسیار پیشرفت کرده بود، او به تهران باز آمد و در سال ۱۹۸۰م جان خود را به جان آفرین سپرد.

در شعر جدید فارسی، سهراب سپهری جایگاه ممتاز و رفیعی دارد. او همزمان یک شاعر برجسته است و یک نقاش هنرمند. در شعر وی رنگهای نقاشی به چشم می‌خورد، و در عین حال نقاشیهای زیبایی وی

رنگ شاعرانه دارند. جالب بودن این مطالب، بیشتر از این جهت است که چند مسئله اساسی را در مورد اشعار سهراب سپهری مطرح می‌کند، و این نوشته کوششی است در جهت بازنگری به این مسایل و طرح و تقد آنان از دیدگاهی دیگر.

البته منتقدین نامدار ادبی باور دارند که سهراب از هر دو حیث شاعر و نقاش در میان شخصیت‌های قرن بیستم میلادی جایگاه ممتازی دارد، چون "سپهری همانقدر که شاعر بود، نقاش هم بود؛ و طبعاً شاعری نبود که از سر تفنن شاعری کند و در عین حال نقاشی هم نبود که برای تفریح و در اوقات فراغت شعر بسراید." (مرادی کوچی، ص ۱۷)

سپهری اساساً یک هنرمندی بود، او شاعر نقاشی و نقاش شاعر حرفه‌ای بود. در طول تاریخ ادب فارسی هیچ شاعری دیده نمی‌شود که از نقاشی حرفه‌ا فرصت به دست آورده مسافر دنیای رنگها شده باشد. مجموعه کلام سهراب سپهری "هشت کتاب" نام دارد. (۱) مانند اغلب شاعران دیگر سپهری نیز به سبک سنتی شعر سرودن را آغاز کرد. اما شگفت آور است که او در سراسر مجموعه "هشت کتاب" حتی یک شعر به قالب کلاسیک را جای نداد. از یادمان نرود که در مجموعه اشعار نیما یوشیج (۱۸۹۲-۱۹۲۰م)، پدر شعر جدید فارسی، نیز غزلیات و قطعات و رباعیات یافته می‌شود. (۲) نخستین و افسین دفتر شعری مهدی اخوان ثالث (۱۹۲۸-۱۹۹۰م)، یکدنده ترین پیرو نیما، به سبک کلاسیک است. (۳) حتی مجموعه اشعار فروغ فرخزاد (۱۹۳۵-۱۹۷۷م) نیز غزلیات به چشم می‌خورد. (۴) و در دفاتر شعری شفیعی کدکنی (متولد ۱۹۳۹م) نیز اشعاری در قالب‌های کلاسیک جای خوش می‌کند. (۵) اما سهراب مجموعه "هشت کتاب" را عمداً تنها با اشعار به سبک جدید مزین ساخت. استاد محمد رضا شفیعی کدکنی بر آن است که "خصوصیت

عمده شعر سپهری، توری هر چه بیشتر از منطق عادی قدیم است. یعنی گریز به دنیایی که مرزهایش مشخص نیست، هیچ خط فاصل و حد معینی ندارد. معنی را به زحمت می توان با واقعیت‌های ذهنی تطبیق داد، و همین نکته را در بعضی نقاشیهای او می توان سراغ گرفت.“ (شفیعی کدکنی، مرادی کوچی، ص ۲۸۲)

سپهری مظاهری فطرت را در شعر خود می گنجاند و همچنین با توجه به اینکه نقاش حرفه ای هست، رنگها را در شعر خود به فراوان جای می دهد. البته می دانیم که ”مقام سپهری نقاش به اندازه سپهری شاعر شناخته شده نیست و درباره تابلوهایش به اندازه شعرهایش سخن منتقدانه و مشفقانه به میان نیامده است.“ (مرادی کوچی، ص ۵۱)

این نظر هم ریشه گرفته است که ”سهراب بینش اخلاقی دارد و از بالا به زمین نگاه می کند. درست تر این است که سهراب می خواهد با نقی عادت‌ها و تازه کردن نگاه تعینات را بردارد، چه وقتی تعینات از میان برداشته شود، همه چیز درهم می خورد و یگانه می شود.“ (حسینی، صالح، نیلوفر خاموش، ص ۳۱)

در مقاله حاضر بسامد رنگها در هشت کتاب سهراب سپهری مورد بررسی قرار گرفته است. می بینم که شاعر با استفاده از رنگهای متنوع به ساختن تصویرهای ناب نایل آمده است و در می یابیم که ”سپهری بی‌ش از هر چیز یک شاعر و هنرمند ناب است.“ (نفیسی، آذر، مرادی کوچی، ص ۸۲)

### ”رنگین کمان هشت کتاب“

#### رنگ سبز:

”سبز“ رنگی است دارای گونه‌های بسیار زیاد، و از رنگهای اصلی افزوده بشمارد می رود. از نظر فرهنگی رنگ سبز معانی گسترده و

در برخی موارد متناقضی دارد. در برخی فرهنگها، رنگ سبز نماد امید و پیشرفت است. در حالیکه در برخی دیگر نماد مرگ، بیماری و شیطان است. اما به طور کلی رنگ سبز، یاد آور و تداعی کننده طبیعت است. در دین اسلام اعتقاد بر آن است که بهشت مکانی سرسبز می باشد، و این یکی از دلایل استفاده گسترده از رنگ سبز در فرهنگ اسلامی است. و بنا بر این رنگ سبز گویا نماد اصلاح و حاصلخیزی است. سبز، مثل اینکه محبوبترین رنگ سپهری است، چون او خودش عاشق طبیعت است، بلکه درست دارد همواره در کنار طبیعت زندگی کند. ملاحظه فرمایید:

- می پری از روی چشم سبز یک مرداب  
یا که می شویی کنار چشمه ادراک بال و پر (ص ۷۰)
- چشم سبز: صفت و موصوف، معنای دستوری  
چشمه ادراک: تشبیه بلیغ / تصویر ناب
- شب پر خواهش / و پیکر گرم افق عریان بود  
رگه سپید مرمر سبز چمن زمزمه می کرد (ص ۸۰)
- شب پر خواهش: استعاره مکنیه / تصویر ناب  
گرم افق عریان: تشخیص، حس آمیزی / تصویر ناب  
رگه سپید، مرمر سبز چمن: صفت و موصوف
- و نسیم سبزی تار و بود خفته مرا لرزاند (ص ۱۲۵)
- نسیم سبزی: حس آمیزی / تصویر
- این دیوار روی درهای باغ سبز فرو ریخت (ص ۱۳۹)
- باغ سبز: صفت و موصوف
- من دیرین روی این شبکه های سبز سفالی خاموش شد (ص ۱۴۰)
- شبکه های سبز: صفت و موصوف
- انگشتم خاک ها را زیر و رو می کند
- ... تصویری می کشد، تصویری سبز: شاخه برگها (ص ۱۴۰)
- تصویری سبز: صفت و موصوف

- در شب سبز شبکه‌ها صدایت زدم،  
در صحر رودخانه، در آفتاب مرمرها (ص ۱۴۱)
- شب سبز: متناقض نمایی / تصویر ناب
- او، خدای دشت، می‌ریزد صدایش را به جام سبز خاموشی (ص ۱۴۶)
- جام سبز خاموشی: تصویر ناب / تشبیه بلیغ
- تراوش سیاه نگاهش، زمزمه سبز علف‌ها آمیخت (ص ۱۵۵)
- تراوش سیاه نگاهش: زمزمه سبز علف‌ها: حس‌آمیزی / تصویر
- گور بود از سبزه زار رنگ‌ها، زورق بستر فراز موج خواب (ص ۱۵۷)
- سبزه زار رنگ‌ها: تصویر
- باغ، سرشار از تراوش‌های سبز (ص ۱۸۱) تراوش‌های سبز: حس‌آمیزی
- او درونش سبز تر، سرشار تر (ص ۱۸۱) او درونش سبز تر، سرشار تر: تصویر
- آبی بلند را می‌اندیشم، و هیاهوی سبز پایین را (ص ۲۰۳)
- هیاهوی سبز پایین: حس‌آمیزی / تصویر
- ترنم سبز می‌شکافتد (ص ۲۰۴) ترنم سبز: حس‌آمیزی / تصویر ناب
- به نی‌ها تن می‌ساییم، و به لالایی سبز شان،  
گهواره‌روان را نوسان می‌دهیم (ص ۲۰۴)
- لالایی سبز: حس‌آمیزی / تصویر ناب
- باغ ما شاید، قوسی از دایره سبز سعادت بود (ص ۲۷۵)
- سبز سعادت: حس‌آمیزی / تصویر
- من به آغاز زمین نزدیکم / نبض گل‌ها را می‌گیرم  
آشنا هستم با، سرنوشت تر آب، عادت سبز درخت (ص ۲۸۷)
- عادت سبز درخت: تشخیص / حس‌آمیزی / تصویر ناب
- و بیاریم سبذ / ببریم این همه سرخ، این همه سبز (ص ۲۹۳)
- این همه سرخ، این همه سبز: تصویر
- پشت سر پنجره سبز صنوبر بسته است (ص ۲۹۵)
- پنجره سبز: صفت و موصوف، تصویر

- و اسب یادت هست / سپید بود / و مثل واژه پاکتی، / سکوت سبز چمن زار را  
چرا می کرد (ص ۳۰۵) سکوت سبز: حسآمیزی / تصویر
- و در کدام بهار / درنگ خواهی کرد / و سطح روح پُراز برگ سبز خواهد شد  
(ص ۳۱۱) برگ سبز: معنای دستوری / تصویر
- چه اتفاق افتاد / که خواب سبز ترا سارها درو کردند؟ (ص ۳۱۲)  
خواب سبز: حسآمیزی / تصویر
- حضور سبز قبایی میان شبدرها / خراش صورت احساس را مرمت کرد  
(ص ۳۱۳) تصویر ناب
- سفر مرا به زمین های استوایی برد / و زیر سایه آن "بانیان" سبز تنومند  
(ص ۳۱۹) تصویر ناب
- حجم سبز (عنوان کتاب) (ص ۳۲۹) نماد / تصویر ناب
- دست هایت، ساقه سبز پیامی را می داد به من (ص ۳۳۳)  
تشخیص / تصویر
- فرصت سبز حیات، به هوای خنک کوهستان می پیوست (ص ۳۳۴)  
حسآمیزی / تصویر
- خواهم آمد، پیش اسبان، گاو، / علف سبز نوازش خواهم ریخت (ص ۳۴۰)  
علف سبز نوازش: تشبیه / حسآمیزی / تصویر
- من چه سبزم امروز / و چه اندازه تنم هشیار است (ص ۳۵۰)  
چه سبزم امروز: تصویر / نماد
- کوچه باغی است که از خواب مرا سبز تراست (ص ۳۵۹)  
تشبیه / تصویر
- و نسیمی خنک از حاشیه سبز / خواب مرا می روید (ص ۳۹۱)  
تشخیص / تصویر ناب
- صدای تو سبزیته آن گیاه عجیبی است  
که در انتهای صمیمیت حزن می روید (ص ۳۹۵) تشبیه / تصویر ناب
- سجود سبز محبت را / چنان سری ادا کرد (ص ۴۰۰) حسآمیزی / تصویر ناب

- ای میان سخن های سبز نجومی (ص ۲۳۳) حسآمیزی / تصویر
- ای عجیب قشنگ... / مثل خوابی پراز لکننت سبز یک باغ (ص ۲۲۸)
- حسآمیزی / تصویر
- باغ سبز تقرب / تا کجای کویر / صورت ناب یک خواب شیرین؟ (ص ۲۵۳)
- باغ سبز تقرب: تشبیه / تصویر: خواب شیرین: حسآمیزی
- از خانه به در، از کوچه برون، تنهایی ما سوی خدا می رفت
- در جاده، درختان سبز، گل ها و، شیطان نگران:
- اندیشه رها می رفت (ص ۲۳۵.۶) تنهایی: تشخیص، تصویر
- بین درخت و ثانیه سبز / تکرار لاجورد / با حسرت کلام می آمیزد (ص ۲۲۷)
- تکرار لاجورد: حسآمیزی / تصویر
- چشم هایش / نقی تقویم سبز حیات است (ص ۲۳۹)
- تشبیه / حسآمیزی / تصویر
- باد می آمد از سمت زنبیل سبز کرامت (ص ۲۲۲)
- زنبیل سبز کرامت: تشبیه / تصویر

### رنگ "سپید":

- سپید رنگی است که ترکیب همه رنگهای طیف قابل دیدن است، البته شمول در سنت آن سپید است. رنگ سپید نماد اخلاص، پاکی و سادگی است. بسامد رنگ "سپید" را هشت کتاب را ملاحظه فرمایید:
- در دور دست / قویی پریده بیگانه از خواب
  - شوید غبار نیل ز بال و پر سپید (ص ۱۷) صفت و موصوف / تصویر
  - لبریز موج زمزمه در بستر سپید (ص ۱۸) صفت و موصوف / تصویر
  - شبتاب می فروزد در آذر سپید (ص ۱۸) تصویر
  - مرداب می گشاید چشم تر سپید (ص ۱۸) تصویر
  - گویی بر آبنوس درخشد زر سپید (ص ۱۸) تصویر
  - کاخی بلند ساخته با مرمر سپید (ص ۱۹) صفت و موصوف / تصویر
  - عبور اجر سپیدی (ص ۲۲) صفت و موصوف / تصویر



- شب پر خواهش/ و پیکر گرم افق عریان بود/
- رگه سپید مرمر سبز چمن زمزمه می کرد (ص ۸۰) تشخیص / تصویر
- سپیدی های فریب
- روی ستون های بی سایه رهز می خوانند (ص ۸۴) نماد / تصویر
- شوکران بنفش خورشید را/ در جام سپید بیابان ها لحظه لحظه نوشیدم
- (ص ۹۸.۷) جام سپید بیابان: تشبیه / تصویر
- قافله از رودی کم ژرفا گذشت/ سپیده دم روی موج ها ریخت (ص ۱۳۳)
- تصویر
- با ترس و شیفتگی، در برکه فیروزه گون / گل های سپید می کنی (ص ۱۱۳)
- تصویر
- کنار مکان بودیم، شبم دیگر سپیده همی بارید (ص ۱۹۸) تصویر
- و اسب یادت هست / سپید بود / و مثل واژه پاکی، سکوت سبز چمن زار را چرا
- می کرد (ص ۳۰۵) تصویر
- ولی مکالمه یک روز محو خواهد شد/ و شاهراه هوا را / شکوه شاه پرک های
- انتشار حواس / سپید خواهد کرد (ص ۳۲۲.۲۱) نماد / تصویر
- دقیقه های مرا تا کبوتران مکرر/ در آسمان سپید غریزه اوج دهید (ص ۳۲۷)
- آسمان سپید: صفت و موصوف / تصویر
- باید بود/ ورد روایت را/ تافتن سپید دنبال کرد (ص ۴۱۹) تصویر
- ای حرمت سپیدی کاغذ (ص ۴۲۷) حرمت سپیدی کاغذ: نماد
- صورتش مثل یک تکه تعطیل عهد دبستان سپید است (ص ۴۳۹) نماد
- لکلک/ مثل یک اتفاق سفید/ بر لب برکه بود (ص ۴۵۳) نماد

## رنگ "سیاه":

سیاه یا مشکی رنگی است که نور هیچ قسمتی از طیف قابل رؤیت را بازتاب نمی کند. به تعریفی دیگر سیاه حاوی همه رنگها در طیف قعابل رؤیت است، و گاه آن را "رنگ بی فام" نیز می گویند. رنگ سیاه نماد از جدیت و محافظه کاری است و در عین حال نشانگر رمزیت نیز می

باشد. کاربرد رنگ سیاه را در هشت کتاب می بینیم:

- در پس پرده ای از گردوغبار سیاه/ نقطه ای لوزد از دور سیاه (ص ۲۶)  
تصویر
- مرغ سیاه آمد از راه های دور (ص ۵۵) صفت و موصوف
- او را بگو: نسیم سیاه چشمانت را نوشیده ام (ص ۸۴)  
حسامیزی / تصویر ناب
- و از مرز هستی من بگذر / سیاه سرد بی تپش گنگ (ص ۹۰) تصویر
- مار سیاه ساقه این گل / در رقص نرم و لطیفی زنده بود (ص ۹۲)  
صفت و موصوف
- گفתי جوهر سوزان رقص / در گلوی این مار سیاه چکیده بود (ص ۹۲)  
صفت و موصوف
- نگاهم به تار و بود سیاه ساقه گل چسبید / درختی تابان /  
پیکرم را ریشه سیاهش بلعید (ص ۱۳۴) تصویر / نماد
- آن طرف سیاهی من پیدا است
- روی بام گنبدی کاهگلی ایستاده ام شبیه غمی (ص ۱۳۹) تصویر / نماد
- "شاسوسا" وزش سیاه و برهنه! / خاک زندگیم را فرا گیر (ص ۱۴۱)  
تصویر / نماد
- به شبی نزدیکم، سیاهی من پیدا است (ص ۱۴۲) تصویر / نماد
- بازی های کودک کی ام، / روی این سنگ های سیاه پلاسیدند (ص ۱۴۲)  
صفت و موصوف / تصویر
- "شاسوسا" روی مرمر سیاهی رویده بود (ص ۱۴۳)  
صفت و موصوف / تصویر
- تراوش سیاه نگاهش با زمزمه سبز علفها آمیخت (ص ۱۵۵)  
حسامیزی / تصویر
- و هر آن به مار سیاهی می نگری، گلچین بی تاب! (ص ۱۶۳)  
صفت و موصوف

- سیاه ترین ماران می رقصند (ص ۱۱۱) صفت و موصوف / تصویر
- سیاهی خاری میان چشم و تماشایی گذرد (ص ۱۱۸) نماد / تصویر
- فریاد ریشه را در سیاهی فزا روشن کردی / بر تب شکوفه شبیخون زدی /  
باغبان هول انگیز! (ص ۱۴۱) تصویر
- سیاهی رفت، سر به آبی آسمان سودیم / درخور آسمانها شدیم (ص ۱۹۳)  
تصویر
- سیاهی بود و ستاره ای / هستی بود و زمزمه ای (ص ۲۱۲.۱۱) تصویر
- زندگی نو بر انجیر سیاه، در دهان کس تابستان است (ص ۲۹۰)  
صفت موصوف / تصویر
- سفر پر از سیلان بود / و از تلاطم صنعت تمام سطح سفر / گرفته بود و سیاه /  
و بوی روغن می داد (صص ۲۱۸.۱۴) نماد / تصویر
- در وسط این همیشه های سیاه / حرف بزق خواهر تکامل خوش رنگ  
(ص ۲۰۳) نماد / تصویر
- خاک سیاه در خواب / زمزمه ای می مرد، بادی می رفت، رازی می برد  
(ص ۲۲۲) نماد / تصویر
- بالا رو، بالا رو، بند نگه بشکن، وهم سیه بشکن (ص ۲۲۷)  
حسامیزی / نماد / تصویر
- می رفتیم، و درختان چه بلند، و تماشا چه سیاه / راهی بود از ما تا گل هیچ  
(ص ۲۱۵) نماد / تصویر
- حمله هگ سیاه قلم نی به حرف سربی / حمله وازه به فک شاعر (ص ۲۸۳)  
تصویر
- کاج های زیادی بلند / زاغ های زیادی سیاه (ص ۲۲۷)  
صفت موصوف / نماد / تصویر

### رنگ "آبی":

آبی محبوب ترین رنگهای جهانی است و نماد آسمان و اوقیانوس و خواب صبحگاه می باشد، و افزون بر آن بیانگر اخلاص، صمیمیت و

روحانیت نیز هست. شاعر طبیعت ستای ما، آن را چگونه به کار برده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- پریان می‌رقصیدند/ و آبی جامه‌هاشان با رنگ افق پیوسته بود (صص ۸۱.۸۰) آبی جامه‌ها: صفت و موصوف / تصویر
- و آبی پوشان نمی‌رقصند (ص ۸۱) تصویر
- قلب آبی کاشی‌ها تپید (ص ۹۳) تشخیص / تصویر
- و صدای حوریان و موهای پریشان می‌آمیزد/ با غبار آبی گل‌های نیلوفر (ص ۱۵۰) غبار آبی گلها: تصویر ناب
- سیاهی رفت، سربه آبی آسمان سودیم، / درخور آسمانها شدیم (ص ۱۹۳) صفت و موصوف / تصویر
- آبی بلند را می‌اندیشم، و هیاهوی سبز پایین را (ص ۲۰۳) تصویر
- و نهرسیم چرا قلب حقیقت آبی است (ص ۲۹۲) حس‌آمیزی / تصویر
- زنان فاحشه در آسمان آبی شهر/ شیار روشن "جت"‌ها را/ نگاه می‌کردند (ص ۳۱۸) صفت و موصوف / تصویر
- آسمان آبی تر/ آب، آبی تر/ من در ایوانم، رعنا سر حوض (صص ۳۳۰.۲) صفت و موصوف / تصویر
- بی‌گمان آنجا آبی، آبی است/ غنچه‌ای می‌شکفت، اهل ده با خبرند (ص ۳۲۷) صفت و موصوف / تصویر
- آسمان آبی نیست، روز آبی بود (ص ۳۵۳) صفت و موصوف / نماد / تصویر
- کاج‌های زیادی بلند / زاغ‌های زیادی سیاه / آسمان به اندازه آبی (صص ۲۲۸.۷) تصویر ناب

### رنگ "کبود" (آبی):

- مانده در دامن دشت / خرمی رنگ کبود (ص ۲۸) صفت و موصوف / تصویر

- کنده منقار ز جا چشمانش / زیر پیشانی او
- مانده دو گود کبود (صص ۲۹.۸) گود کبود: تصویر
- در خلوت کبود اتاقم / هر عضو آن ز عضو دگر دور مانده است (ص ۴۹)
- حسامیزی / تصویر ناب
- بر چهره اش که هیرت ماسیده روی آن / سه حفره کبود که خالی است /
- از تابش زمان (ص ۴۹) حفره کبود: تصویر
- زخم شب می شد کبود / در بیابانی که من بودم (ص ۵۱) تصویر

### رنگ "فیروزه":

- فیروزه ای رنگی میان طیف سبز و آبی است. و نماد زنان و بانوان می باشد.
- با ترس و شیفتگی، در برکه فیروزه گون، گل های سپید می کنی (ص ۱۱۳)
  - تصویر ناب

### رنگ "بنفش":

- بنفش نام رنگی است که معمولاً از ترکیب رنگهای آبی و قرمز به دست می آید. و نماد از اخلاص، روحانیت، دولت و ثروت و شاهنشاهی است.
- شوکران بنفش خورشید را / در جام سپید بیابان ها لحظه لحظه نوشیدم
  - (صص ۹۸.۹۷) تصویر ناب

### رنگ "لاجورد":

- لاجوردی یکی از سایه های رنگ آبی است که به رنگ سنگ لاجورد است. لاجوردی را رنگ ناب ایرانی نیز می گویند، حتی لاجوردی را به زبان انگلیسی Persian Blue می نامند.
- نه در این خاک رس نشانه ترس /
  - و نه بر لاجورد بالا نقش شگفت (ص ۱۱۸) تصویر ناب
  - انسان / در تنبلی لطیف یک مرتع /
  - با فلسفه های لاجوردی خوش بود (ص ۲۲۴) حسامیزی / تصویر ناب
  - تکرار لاجورد / با حسرت کلام می آمیزد (ص ۲۲۷) حسامیزی / تصویر ناب

## رنگ "نیلی" (آبی):

نیلی نیز رنگی از خانواده آبی بین آبی و فیروزه است. هم‌رنگ آسمان صاف در روزهای پرنور است.

- و مهتاب از پلکان نیلی مشرق فرود آمد (ص ۸۰)
- صفت و موصوف / تصویر
- غبار نیلی شب‌ها را هم می‌گرفت (ص ۹۸) صفت و موصوف / تصویر
- وای "من"، کودك تو، / در شب صخره‌ها، از گود نیلی بالا چه می‌خواست (ص ۱۴۴) صفت و موصوف / تصویر

## رنگ "سرخ" (قرمز):

سرخ یا قرمز به طیف از رنگ‌ها گفته می‌شود که در پایین‌ترین بسامد نور قابل تشخیص توسط چشم انسان قرار دارند. سرخ در کنار زرد و آبی یکی از سه رنگ اصلی است. رنگ سرخ به طور گسترده‌ای به عنوان نماد جرم و گناه مورد استفاده قرار می‌گیرد. سرخ همچنین به عنوان نماد شهوت، هوس، عشق و زیبایی نیز به کار می‌رود. استفاده از گل سرخ به عنوان نماد عشق نیز دیده می‌شود. در حالیکه در فرهنگ یونانی و یهودی رنگ سرخ را به عنوان رنگ عشق و فداکاری می‌شناسند. این رنگ در مسیحیت و اسلام به عنوان نماد شهید نیز به کار می‌رود. رنگ سرخ توجه مردم را جلب می‌کند و برای هشدار در مورد خطر یا موارد اضطراری استفاده می‌شود. می‌بینیم سپهری آن را چگونه به کار می‌برد:

- ریخته سرخ غروب / جابجا بر سر سنگ (ص ۲۷) سرخ غروب: تصویر
- پله‌های که به قانون فساد گل سرخ... پله‌های که بی‌سکوی تجلی می‌رفت (ص ۲۸۰) قانون فساد: کنایه رمزی؛ گل سرخ: به معنای دستوری
- و بیاریم سبذ / ببریم این همه سرخ، این همه سبز (ص ۲۹۳) دستوری (مجاز)

- مرگ در حنجره سرخ - گل را می خواند (ص ۲۹۱) استعاره مکنیه
- کار ما نیست شناسایی "راز" گل سرخ / کار ما شاید این است /
- که در "افسون" گل سرخ شناور باشیم (ص ۲۹۸) گل سرخ: معنای دستوری
- و صدا خواهیم در داد:
- ای سبدهاتان پر خواب! سیب آوردم، سیب سرخ خورشید (ص ۳۳۹)
- سیب سرخ خورشید: تشبیه، تصویر
- و من آنان را، به صدای قدیم پیک بشارت دادم / و به نزدیکی روز و به
- افزایش رنگ / به طنین گل سرخ، پشت پر چین سخن های درشت
- (صص ۳۵۰، ۳۵۱) گل سرخ: به معنای دستوری
- من مسلمانم / قبله ام یک گل سرخ (ص ۲۷۲)
- قبله ام یک گل سرخ: تشبیه؛ گل سرخ: به معنای دستوری
- با ترس و شیفتگی، در برکه فیروزه گون، / گل های سپید می کنی (ص ۱۶۳)

### رنگ "قرمز":

- و چرا در قفس هیچکس کرگس نیست / گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد
- (ص ۲۹۱) لاله قرمز: صفت و موصوف
- عکس آن میخک قرمز در آب (ص ۳۵۱)
- میخک قرمز: دستوری (صفت موصوف)

### رنگ "صورتی":

- صورتی مخلوطی از رنگهای سرخ و سفید است و در سراسر جهان
- به عنوان نماد عشق و محبت شناخته می شود.
- در مسیر غم صورتی رنگ اشیا / ریگ های فراغت هنوز /
- برق می زد (ص ۲۲۲) صورتی رنگ: به معنای دستوری

### رنگ "طلایی":

- رنگ طلایی نماد از دولت و ثروت و دانایی است، و علاوه بر آن
- صحت و سلامتی را نیز بیان می دارد. دوستداران رنگ طلایی متحرك و

کوشنده می باشند. طلایی رنگ میان نارنجی و زرد است. کاربرد سپهری را ملاحظه فرمایید:

- ستاره ای در خواب طلایی ماهیان افتاد، رشته عطر گسست،  
آب از سایه افسوسی پُر شد (صص ۲۰۱، ۲۰۵) خواب طلایی: حس آمیزی
- همیشه با نفس تازه راه باید رفت/ و فوت باید کرد/  
که پاك پاك شود صورت طلایی مرگ (طلایی مرگ: کنایه رمزی، تصویر)

### رنگ "خاکستری":

خاکستری به هر گونه طیف از رنگهای میان سیاه و سفید گفته می شود. رنگ خاکستری بیشتر در طبیعت دیده می شود، با رنگ خاکستری معمولاً اندوه، افسردگی و ناامیدی تداعی می شود. سپهری از کاربرد خاکستری نیز غافل نمانده است:

- پس از لحظه های دراز/ بر درخت خاکستری پنجره ام برگی روید (ص ۱۲۴)  
تصویر ناب
- برگی از درخت خاکستری پنجره ام فرو افتاد (ص ۱۲۱) تصویر



### یادداشتها

- (۱) "بهشت کتاب" در واقع مجموعه هشت دفتر شعری سپهری است که بدین ترتیب اند: ۱. مرگ رنگ، ۲. زندگی خواب به، ۳. آوار آفتاب، ۴. شوق اندوه، ۵. صدای پای آب، ۶. مسافر، ۷. حجم سبز، ۸. ما هیچ مانگاه.
- (۲) تبسم غزل، قطعه و رباعی نیز سروده است، تک: مجموعه کامل اشعار تبسم یورشلیج، به کوشش سبروس طایباز (۱۳۷۵ش)، چاپ چهارم، انتشارات نگاه، تهران، ایران.
- (۳) نخستین دفتر شعری مهدی اخوان ثالث "ارغنون" نام دارد، و واپسین دفتر شعری مهدی اخوان ثالث "تراوی کهن بوم و بو دوست دارم" نام دارد.



- (۴) تک: دیوان اشعار فروغ فرخزاد، به کوشش بهروز جلالی
- (۵) تک: مجموعه های شعری شعبی کدکنی: آئینه ای بوی صدا، هزاره دوم  
آپری کرپی

## منابع

- . آتشی، منوچهر (۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۱ء) حرف‌هایی در باره سپهری، شامل معرفی و شناخت سه‌رآب سپهری به کوشش شهنآز مرآدی کرچی، نشر قطره، تهران.
- . اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰ء)، ارغنون، چاپ یازدهم، انتشارات مروارید، تهران، ایران.
- . ایضاً (۱۳۷۲ ش / ۱۹۹۷ء) ترآی کهن بوم و بر دوست دارم، چاپ پنجم، انتشارات مروارید، تهران، ایران.
- . امامی، کریم (۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۱ء) از آواز شتایق نآفواترها، شامل معرفی و شناخت سه‌رآب سپهری به کوشش شهنآز مرآدی کرچی، نشر قطره، تهران، ایران.
- . برآهنی رضا (۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۱ء) آشنآیی بآ یک بچه لودآی اشدآفی، شامل معرفی و شناخت سه‌رآب سپهری به کوشش شهنآز مرآدی کرچی، نشر قطره، تهران، ایران.
- . حبیبنی، صدآلح (۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰ء) نبلر فر خمروش، نظری به سه‌رآب سپهری، چاپ پنجم، انتشارات نبلر فر، تهران، ایران.
- . دانشور، سبمن (۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۱ء) نمآیشگاه سه‌رآب سپهری، شامل معرفی و شناخت سه‌رآب سپهری به کوشش شهنآز مرآدی کرچی، نشر قطره، تهران.
- . دست غیب، عبدالعلی (۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۱ء) جهآنی لب‌ریز از شور و آندیشه، شامل معرفی و شناخت سه‌رآب سپهری به کوشش شهنآز مرآدی کرچی، نشر قطره، تهران، ایران.
- . رهنمآ، فریدون (۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۱ء) تاریک و روشن سه‌رآب سپهری، شامل معرفی و شناخت سه‌رآب سپهری به کوشش شهنآز مرآدی کرچی، نشر

- قطره ، تهران، ایران.
- سپهری ، سه‌رواب (۱۳۷۸ش / ۱۹۹۹ء) پشت کتاب، چاپ بیست و سوم، کتابخانه طهری ، تهران، ایران .
- شنبلیلی کدکندی ، محمد رضا (۱۳۷۶ش / ۱۹۹۷ء) آئینه ای بر روی صداها، انتشارات سخن، تهران، ایران.
- ایضاً (۱۳۸۰ش / ۲۰۰۱ء) حجم سبز، شامل معرفی و شناخت سه‌رواب سپهری به کوشش شهناز مرادی کوچی ، نشر قطره ، تهران، ایران.
- ایضاً (۱۳۷۶ش / ۱۹۹۷ء) هزاره دوم آهوی کوپی، انتشارات سخن، تهران، ایران.
- شمس‌السادا، سروش (۱۳۷۶ش / ۱۹۹۷ء) نگاهی به سه‌رواب سپهری ، چاپ پنجم، انتشارات مروارید ، تهران، ایران.
- صاحب‌الختباری، بهروز؛ باقرزاده، حمید رضا (۱۳۸۱ش / ۲۰۰۲ء) احمد شاملو، شاعر شبانه پا و عاشقانه پا، انتشارات بهرمنند، تهران، ایران.
- فروغ فروخزاد (۱۳۷۹ش / ۲۰۰۰ء) دیوان اشعار فروغ فروخزاد، به کوشش بهروز جلالی ، چاپ پنجم، انتشارات مروارید، تهران، ایران.
- مرادی کوچی ، شهناز (۱۳۸۰ش / ۲۰۰۱ء) معرفی و شناخت سه‌رواب سپهری، نشر قطره، تهران، ایران.
- نفیسی، آذر (۱۳۸۰ش / ۲۰۰۱ء) چشم‌پاراباید شست، شامل معرفی و شناخت سه‌رواب سپهری به کوشش شهناز مرادی کوچی ، نشر قطره ، تهران.
- نما یوشبج (۱۳۷۵ش / ۱۹۹۶ء) مجموعه کامل اشعار نما یوشبج، به کوشش سبروس طاهباز، چاپ چهارم، انتشارات نگاه، تهران، ایران.
- پرسنی، غلام‌حسین (۱۳۶۹ش / ۱۹۹۰ء) چشمه روشن ، انتشارات علمی ، تهران، ایران.

